

ارزیابی دیپلماسی ورزشی جمهوری اسلامی ایران با استفاده از مدل تاپسیس

محمدحسن پیمان‌فر*

علیرضا الهی**

محمد کاظم سجادیپور***

مهرزاد حمیدی****

چکیده

دیپلماسی ورزشی، پدیده‌ی فراگیری است که در سطح دیپلماتیک، جزء مؤلفه‌های مهم ارتباطی میان کشورها و ملت‌ها به‌شمار می‌آید و به‌همین سبب مهم است که بدانیم، جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان کشوری قدرتمند در عرصه‌ی دیپلماسی، در این حوزه در چه وضعیتی قرار دارد؛ بنابراین، در مطالعه‌ی حاضر سعی کرده‌ایم با استفاده از مدل تاپسیس، به‌عنوان یکی از فنون قوی در تصمیم‌گیری چندمعیاره، این موضوع را بررسی کنیم. در این راستا، ابزار پژوهش پس از تهیه و تأیید روایی آن، در بین جامعه آماری پژوهش که شامل استادان هیئت علمی و مدیران خبره در حوزه ورزش و دیپلماسی بودند، توزیع و گردآوری شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد، «افزایش روزافزون قدرت و جذابیت رویدادهای ورزشی بین‌المللی (0.83 Ci)» یکی از مهم‌ترین دلایل توسعه دیپلماسی ورزشی در کشور است. نتایج دیگر پژوهش، حاکی از وضعیت بحرانی در حوزه‌های «سازمان متولی (0.38 Ci)» و «سیاست‌ها و برنامه‌های (0.26 Ci)» کشور در حوزه دیپلماسی ورزش است. در این زمینه «ارتقای ظرفیت‌ها (0.65 Ci)» مهم‌ترین راهبرد و «توسعه جامعه‌شناسی سیاسی (0.81 Ci)» مهم‌ترین پیامد این پدیده از نگاه صاحب‌نظران بود. آنچه از انجام این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت، ضرورت تدوین برنامه بلندمدت در راستای ارتقای ظرفیت‌ها برای بهبود نقاط بحرانی است.

واژه‌های کلیدی: دیپلماسی ورزشی، تاپسیس، راهبرد، روابط بین‌الملل

Mhpeymanfar@gmail.com

* استادیار مدیریت ورزشی دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول)

Alirezaelahi@yahoo.com

** دانشیار مدیریت ورزشی دانشگاه خوارزمی

Sajjadpour@sir.ac.ir

*** استاد علوم سیاسی دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه

Meh_hamidi@yahoo.com

**** دانشیار مدیریت ورزشی دانشگاه تهران

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۹/۱۰

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۱/۰۹

فصلنامه راهبرد اجتماعی- فرهنگی، سال هشتم، شماره سی و دوم، پاییز ۱۳۹۸، صص ۱۶۳-۱۷۸

مقدمه

شکل‌گیری قلمرو عمومی جهانی، سبب ایجاد چالش برای قدرت و اقتدار دولت‌ها شده است؛ به‌گونه‌ای که آن‌ها تلاش می‌کنند این قلمرو را به شیوه‌های مختلفی کنترل کرده و بر آن نفوذ داشته باشند. آن‌ها به‌لحاظ وظایف ساختاری، به‌ویژه وظایف دیپلماتیک، نمی‌توانند به این موضوع بی‌توجه باشند؛ بنابراین، به دیپلماسی عمومی نوین روی آورده‌اند (سجادپور و وحیدی، ۱۳۹۰)؛ دیپلماسی‌ای که کاربست آن، سبب افزایش قدرت نرم یا هوشمندانه یک کشور و توسعه نفوذ آن در عرصه جهانی می‌شود و به‌همین سبب، دولت‌ها در آن نقش هدایت و نظارت‌کننده اصلی دارند، اما از ظرفیت و همکاری بازیگران غیردولتی نیز استفاده می‌کنند (سجادپور و وحیدی، ۱۳۹۰). در این زمینه یکی از ظرفیت‌هایی که توانسته است جایگاه خود را در دستگاه دیپلماسی به‌خوبی تبیین کند، ورزش است؛ به‌گونه‌ای که امروز ادبیات دیپلماتیک ورزشی توانسته است مرزها را کم‌رنگ و راه‌های بیشتری را برای گفت‌وگو باز کند، تا افراد مختلف از طریق آن در کنار یکدیگر جمع شوند (مورای، ۲۰۱۳). هاروی تصریح کرده است که شهرت زیاد رویدادهای ورزشی بین‌المللی، فضای مناسبی را برای دخالت دولت‌ها فراهم کرده است. کشورها ارتباطات تبلیغاتی مستقیمی بین پیروزی‌های ورزشی و نظام‌های سیاسی-اقتصادی‌شان برقرار می‌کنند. در این راهبرد، ورزش یک ابزار سیاسی در اختیار دولت است که از طریق آن، دستاوردها و پیروزی‌های قهرمانان و ورزشکاران کشور را به نظام سیاسی-اقتصادی خود مرتبط می‌کند تا بتواند برتری

نظام خود را به دیگران نشان دهند. این فرایند را دیپلماسی ورزشی و ورزشکارانی را که با این هدف به کار گرفته می‌شوند را دیپلمات ورزشی می‌نامند (ایدن، ۲۰۱۳).

کینگمین^۲ (۲۰۱۲) در مطالعه خود با عنوان «دیپلماسی ورزش: تجربه و دیدگاه چینی‌ها» بیان می‌کند، ورزش، عرصه سیاست و دیپلماسی است. زمانی که رابطه دو کشور ضعیف است، ورزش می‌تواند ابزاری برای رویارویی دو کشور باشد، چنانچه این رابطه روبه‌بهبود باشد، ورزش می‌تواند سرعت آن را افزایش دهد. در هر دو مورد، ورزش جنبه سیاسی پیدا می‌کند، اما از نگاه چینی‌ها، تنها نمونه دوم می‌تواند به‌عنوان دیپلماسی ورزش در نظر گرفته شود. یکی دیگر از کارکردهای دیپلماسی ورزشی، توسعه مسائل اجتماعی است.

هالیهان و همکاران (۲۰۰۹) بیان کرده‌اند که امروزه دولت‌ها تمایل دارند از ورزش به‌عنوان یک ابزار مفید، بهینه‌ترین استفاده را برای حل مشکلات و مسائل غیرورزشی و همچنین، آسایش اجتماعی داشته باشند. در این زمینه، مطالعات پژوهشگران در کشورهایی مانند شیلی (براو و سیلوا، ۲۰۱۳)، استرالیا (مورای، ۲۰۱۳)، ژاپن (منزنریتر، ۲۰۰۸)، آفریقای جنوبی (اندلو و و، ۲۰۱۰)، قطر (ریج، ۲۰۱۴) و پژوهشگران دیگر، حاکی از وجود راهبردهایی برای توسعه دیپلماسی ورزشی در راستای بهره‌برداری بهتر از این پدیده در کشورهای یادشده است. حال این پرسش مطرح می‌شود که «آیا در نگاه جمهوری اسلامی ایران نیز ورزش از عرصه‌هایی است که با آن می‌توان روابط بین‌الملل را متأثر کرد؟»

دوستی و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی درباره سیستم مدیریت دولت ملی برای اجرای سیاست ورزشی در ایران، بیان کرده‌اند که دولت ایران طی ۳۰ سال

-
1. Eden
 2. Qingmin
 3. Bravo & Silva
 4. Manzenreiter
 5. Ndlovu
 6. Reiche

اخیر، در پی به‌کارگیری ورزش برای اهداف سیاسی بین‌المللی و داخلی بوده است. بنیان‌گذاری فدراسیون ورزش همبستگی زنان مسلمان در سال ۱۳۷۰، بنیان‌گذاری فدراسیون ورزشی غرب آسیا وابسته به شورای المپیک آسیا در تهران در سال ۱۳۷۶، و بنیان‌گذاری فدراسیون بین‌المللی ورزش‌های زورخانه‌ای در سال ۱۳۸۳ از جمله مهم‌ترین اقدامات جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب اسلامی در این زمینه بوده است. افزون‌براین می‌توان از شرکت نکردن ایران در بازی‌های المپیک ۱۹۸۰ مسکو و المپیک ۱۹۸۴ لس‌آنجلس نیز نوعی تعبیر و برداشت دیپلماتیک ورزشی داشت.

شهبابی (۲۰۰۱) در بررسی دیپلماسی ورزشی، به رابطه ایران و آمریکا اشاره می‌کند و می‌نویسد، سید محمد خاتمی، رئیس‌جمهور ایران در سال ۱۹۹۸ پیشنهاد کرد، از ورزش به‌عنوان ابزار دیپلماسی برای بهبود روابط سیاسی بین دو کشور استفاده شود. تماس‌های ورزشی بین ایالات متحده آمریکا و ایران در سال ۱۹۹۸ تا حدودی باعث بهبود روابط سیاسی بین دو کشور شده بود. در سال ۲۰۰۰ به پیشنهاد ایالات متحده، تیم ملی فوتبال ایران و تیم ملی فوتبال ایالات متحده در کالیفرنیا با هم دیدار کردند. پرچم‌های دو کشور در دست‌های تماشاگران آمریکایی و ایرانی تا حدودی روابط سرد پیشین بین دو ملت را برطرف کرد (شهبابی، ۲۰۰۱).

بسیاری از دولت‌ها بر این نظرند که راهبرد میزبانی رویدادهای بزرگ بین‌المللی ورزشی، اثرات مثبتی بر بهبود وجهه آنان داشته است (ساموئل-آذران^۱ و همکاران، ۲۰۱۶). در این زمینه می‌توان به میزبانی ایران در هفتمین دوره بازی‌های آسیایی (۱۹۷۴) اشاره کرد. *امیرتاش* (۲۰۰۵) پس از مطالعه و تحلیل اسناد موجود در این زمینه، در پژوهش خود با عنوان «ورزش و بازی‌های آسیایی: بزرگ‌ترین رویداد ورزشی در آسیا»، ابعاد مختلف این بازی‌ها را بررسی کرده است. در این بازی‌ها، ۳۰۱۰ ورزشکار از ۲۵ کشور قاره آسیا در ۱۶ رشته ورزشی به رقابت پرداختند که به‌ترتیب کشورهای ژاپن (۷۵ طلا، ۷۹ نقره، و ۵۱ برنز)، ایران (۳۶

طلا، ۲۸ نقره، و ۱۷ برنز) و چین (۳۳ طلا، ۴۵ نقره، و ۲۸ برنز) بر سکوی اول تا سوم ایستادند. امیرتاش می‌نویسد، ۲۲۵ نماینده رسانه‌ای از ۹۷ آژانس خبری سه قاره جهان، با پوشش رسانه‌ای این بازی‌ها، خاطره‌انگیزترین میزبانی را از تهران گزارش کردند. در این زمینه و بنابر گزارش سایت شورای المپیک آسیا، هفتمین دوره بازی‌های آسیایی که میزبان بیشترین شمار شرکت‌کنندگان از آغاز برگزاری بازی‌های آسیایی تا آن دوره بود، با مسائل سیاسی نیز درگیر بود؛ به گونه‌ای که کشورهای عرب، پاکستان، جمهوری خلق چین، و کره شمالی از بازی با تیم‌های تنیس، بسکتبال، و فوتبال اسرائیل خودداری کردند. ویژگی دیگر این دوره از بازی‌ها، سطح بالای امنیتی آن، به دلیل تهدید فلسطینی‌ها و یک فرقه ژاپنی بود.

با وجود برخی اقدامات انجام‌شده، دیپلماسی ورزشی در ایران، حرکت کندی داشته است. خبیری (۱۳۹۳) در پژوهش خود با عنوان «بررسی جایگاه ورزش در دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران» بیان کرده است که ناکارآمدی و ناهماهنگی برون‌دادهای دیپلماسی سنتی با محیط بین‌المللی پس از جنگ سرد باعث شده است که سیاستگذاران حوزه سیاست خارجی، برای ترجمه قدرت بالقوه دولت مطبوع خویش به قدرت بالفعل، بر آن شوند که بر این کاستی‌ها چیره شوند و به نظر می‌رسد، جمهوری اسلامی ایران نتوانسته است در این حوزه، جایگاهی را برای خود مشخص کند؛ بنابراین، پژوهش حاضر با توجه به این ضرورت، در پی ارزیابی وضعیت موجود دیپلماسی ورزشی کشور است.

۱. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع مطالعات کمی است که با استفاده از فن تاپسیس — که یکی از روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره است — دیپلماسی ورزشی جمهوری اسلامی ایران را ارزیابی کرده است.

برای به‌کارگیری روش تاپسیس، به یک ماتریس تصمیم‌گیری نیاز داریم که سطرهای این ماتریس، گزینه‌ها و ستون‌های آن، معیارها است (اصغرپور، ۱۳۸۳). گزینه انتخاب‌شده به این روش باید دارای کوتاه‌ترین فاصله با ایده‌آل مثبت

(بهترین حالت ممکن، +Ai) و دارای بیشترین فاصله با ایده‌آل منفی (بدترین حالت ممکن، Ai^-) باشد (چیا و لیانگ، ۲۰۰۹).

در راستای دستیابی به هدف پژوهش، پرسش‌نامه تخصصی تاپسیس -که در بردارنده مؤلفه‌های پدیده دیپلماسی ورزشی است (پیمان‌فر، ۱۳۹۵) - تهیه و برای تأیید روایی صوری و محتوا به ۵ نفر از استادان خبره در این حوزه ارائه و اصلاحات لازم انجام شد. جامعه آماری پژوهش حاضر برای تکمیل پرسش‌نامه‌ها، اعضای هیئت علمی و مدیران خبره در حوزه ورزش و دیپلماسی بوده‌اند. در نهایت، ۱۸ پرسش‌نامه، تکمیل و تحلیل شده است. گفتنی است، پژوهشگر، به صورت حضوری، راهنمایی‌های لازم را برای تکمیل تمام پرسش‌نامه ارائه داده است. یافته‌های تاپسیس به دو روش قابل محاسبه و تحلیل هستند؛ نخست، به روش محاسبات فرمول ریاضی در محیط Excel و دوم، با استفاده از نرم‌افزار Super Decision. در پژوهش حاضر، یافته‌ها به روش نخست محاسبه و تحلیل شده‌اند.

۲. یافته‌های پژوهش

پاسخ‌دهندگان به پرسش‌های این پژوهش، ترکیبی از مدیران و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها در حوزه ورزش و دیپلماسی بوده‌اند (جدول ۱).

جدول ۱. توصیف نمونه پژوهش

توضیحات	تعداد	جایگاه صاحب‌نظران
گرایش‌های مدیریت ورزشی، علوم سیاسی، و روابط بین‌الملل	۹	استادان دانشگاه
در سطح قائم‌مقام سازمان تربیت بدنی سابق، معاون و مشاور وزیر، رئیس فدراسیون‌های ورزشی	۹	مدیران ورزشی کشور (سیاسی-ورزشی)
	۱۸	مجموع

در ادامه، وضعیت دیپلماسی ورزشی جمهوری اسلامی ایران به روش تاپسیس ارزیابی و نتایج نهایی به دست آمده ارائه شده است.

۲-۱. علت‌های ایجابی

در این بخش این نکته را بررسی کرده‌ایم که هر یک از عوامل زیر تا چه اندازه ضرورت توجه به دیپلماسی ورزشی را برای کشور تبیین می‌کند.

جدول ۲. تحلیل تاپسیس برای مؤلفه‌های شرایط علی

رتبه	Ci	ایده‌آل مثبت	ایده‌آل منفی	محورها	کد	
۱۳	۰/۳۰	۰/۷۴	۰/۳۲	کاهش نقش انحصاری دولت‌ها	A1	توسعه محیط جهانی (۰/۴۲)
۷	۰/۵۲	۰/۵۳	۰/۵۷	انقلاب در فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی	A2	
۸	۰/۴۵	۰/۶۱	۰/۵۱	افزایش تأثیر افکار عمومی در توسعه روابط بین‌الملل	A3	
۱۱	۰/۳۷	۰/۶۸	۰/۴۰	تسهیل رفت‌وآمد و حمل‌ونقل در دنیا	A4	
۵	۰/۵۵	۰/۴۹	۰/۶۱	افزایش نقش نهادها و کنشگران غیردولتی	A5	
۱۲	۰/۳۴	۰/۷۹	۰/۴۱	تولید مبانی نظری در حوزه قدرت نرم در مراکز علمی	A6	
۴	۰/۷۰	۰/۳۲	۰/۷۵	جهانی‌شدن ورزش	B1	بناستل ورزش (۰/۶۳)
۱۰	۰/۴۱	۰/۶۷	۰/۴۶	جانمایی برای فعالیت‌های دیپلماتیک	B2	
۹	۰/۴۵	۰/۶۴	۰/۵۲	اثربخشی بالا در برابر کارایی بهینه	B3	
۲	۰/۷۵	۰/۲۹	۰/۸۵	محبوبیت ورزش در بسیاری از فرهنگ‌ها و قومیت‌ها	B4	
۶	۰/۵۵	۰/۵۲	۰/۶۴	قابلیت بالا در هویت‌سازی	B5	
۳	۰/۷۴	۰/۲۷	۰/۷۸	تبدیل ورزش به یک صنعت تأثیرگذار بر اقتصاد کشورها	B6	
۱	۰/۸۳	۰/۱۸	۰/۸۵	افزایش روزافزون قدرت و جذابیت رویدادهای ورزشی بین‌المللی	B7	

همان‌گونه که داده‌های جدول ۲ نشان می‌دهد، «افزایش روزافزون قدرت و جذابیت رویدادهای ورزشی بین‌المللی»، «محبوبیت ورزش در بسیاری از فرهنگ‌ها و قومیت‌ها»، و «تبدیل ورزش به یک صنعت تأثیرگذار بر اقتصاد کشور»، مهم‌ترین دلایل لزوم توجه بیشتر دستگاه دیپلماسی به حوزه دیپلماسی ورزشی هستند.

۲-۲. عوامل مداخله‌گر

در ادامه برخی از مؤلفه‌های مداخله‌گر مؤثر بر توسعه دیپلماسی ورزشی و میزان توجه جمهوری اسلامی ایران به هریک از آنها را تحلیل و بررسی کرده‌ایم.

جدول ۳. نتایج تاپسیس برای عوامل مداخله‌گر

رتبه	Ci	ایده‌آل مثبت	ایده‌آل منفی	محورها	کد	
۷	۰/۴۶	۰/۹۹	۰/۸۵	آداب میزبانی و میهمانی	C1	فرهنگ (۰/۴۳)
۱۰	۰/۳۹	۱/۰۸	۰/۶۹	مراسم و برنامه‌های مذهبی و فرهنگی	C2	
۸	۰/۴۵	۱/۰۲	۰/۸۳	زبان، ارزش‌ها، و هنج‌های محلی	C3	
۶	۰/۵۱	۰/۸۶	۰/۹۱	سازمان‌های ملی و بین‌المللی ورزشی	D1	ابزارها (۰/۵۹)
۲	۰/۶۷	۰/۵۹	۱/۱۷	رخدادهای بین‌المللی ورزشی	D2	
۳	۰/۵۹	۰/۷۴	۱/۰۸	کرسی‌های بین‌المللی	D3	
۴	۰/۵۴	۰/۸۶	۱/۰۲	دانشکده‌های علوم ورزشی و علوم سیاسی	D4	

۱	۰/۷۱	۰/۵۶	۱/۳۳	افراد ورزشی (ورزشکار، مربی، و مدیر)	D5	سیاست‌ها و برنامه‌ها (۰/۲۶)
۵	۰/۵۴	۰/۸۸	۱/۰۱	دستورالعمل‌ها و تفاهم‌نامه‌های بین‌المللی	D6	
۹	۰/۴۰	۱/۰۱	۰/۶۷	همسو بودن ارزش‌ها و هنجارها با جامعه جهانی	E1	
۱۳	۰/۱۷	۱/۳۶	۰/۲۸	سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی دقیق	E2	
۱۲	۰/۲۲	۱/۲۷	۰/۳۷	ایجاد ساختار مناسب	E3	
۱۱	۰/۲۳	۱/۳۱	۰/۳۹	داشتن افق بلندمدت	E4	

همان‌گونه که داده‌های جدول ۳ نشان می‌دهد، دیپلماسی ورزشی کشور در حوزه سیاست‌ها و برنامه‌ها، شرایط مناسبی ندارد؛ به‌گونه‌ای که تمام مؤلفه‌های آن در نزدیک‌ترین شرایط ایده‌آل منفی قرار دارند و Ci موارد دیگر نیز وضعیت مطلوبی ندارد.

۲-۳. عوامل زمینه‌ای

از آنجاکه عوامل زمینه‌ای، فراهم‌کننده شرایط لازم برای هر پدیده‌ای هستند، در جدول ۴ شرایط زمینه‌ای مؤثر بر توسعه دیپلماسی ورزشی کشور را ارزیابی و بررسی کرده‌ایم.

جدول ۴. تحلیل تاپسیس برای عوامل زمینه‌ای

رتبه	Ci	ایده‌آل مثبت	ایده‌آل منفی	محورها	کد	
۸	۰/۳۹	۱/۲۱	۰/۷۷	فعال در حوزه روابط بین‌الملل و دیپلماسی ورزشی	F1	بازمان متولی (۰/۳۸)
۹	۰/۳۱	۱/۲۷	۰/۵۸	ارتباط منسجم با سایر نهادها و سازمان‌های ذی‌نفع دولتی و غیردولتی	F2	
۱	۰/۵۸	۰/۹۴	۱/۳۱	برخوردار از حمایت و پشتیبانی دستگاه دیپلماسی	F3	
۱۳	۰/۲۲	۱/۵۴	۰/۴۴	پرورش دیپلمات ورزشی	F4	
۵	۰/۴۵	۱/۱۵	۰/۹۶	عقاید مذهبی	G1	جامعه هدف (۰/۴۳)
۷	۰/۳۹	۱/۲۷	۰/۸۲	شناخت ویژگی‌های جمعیت‌شناختی	G2	
۳	۰/۵۳	۱/۰۰	۱/۱۳	شناخت وضعیت اقتصادی	G3	
۴	۰/۴۶	۱/۱۹	۱/۰۳	وابستگی‌های فکری و سیاسی	G4	
۱۱	۰/۳۱	۱/۳۹	۰/۶۴	شناخت ادراک‌های آن‌ها	G5	
۶	۰/۳۹	۱/۳۲	۰/۸۵	تصویر مناسب در حوزه‌های سیاست، مذهب، اقتصاد، و ورزش	H1	مدیریت اطلاعات (۰/۳۹)
۲	۰/۵۵	۰/۹۵	۱/۱۹	رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی نوین	H2	
۱۰	۰/۳۲	۱/۴۲	۰/۶۷	مدیریت ارتباطی موضوعات به‌صورت روزانه	H3	
۱۲	۰/۲۸	۱/۳۹	۰/۵۳	متقاعدسازی سازمان‌های حکومتی و مخاطبان غیردولتی	H4	

داده‌های جدول ۴ نشان‌دهنده وضعیت بحرانی دیپلماسی ورزشی در مؤلفه‌های عوامل زمینه‌ای است؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از این مؤلفه‌ها، فاصله بسیار زیادی با

ایده‌آل مثبت دارند. در این بین، مقوله سازمان متولی، دچار بدترین وضعیت است.

۲-۴. راهبردها

تحلیل کمی دیدگاه‌های صاحب‌نظران، حاکی از اهمیت راهبردهای افزایش ظرفیت‌ها، برندسازی و اعتباربخشی، و تعامل‌گرایی با جهان است (جدول ۵).

جدول ۵. تحلیل تاپسیس برای راهبردهای کنش و واکنش

رتبه	Ci	ایده‌آل مثبت	ایده‌آل منفی	محورها	کد	
۱	۰/۸۰	۰/۱۹	۰/۷۹	افزایش برند ملی ورزشی	I1	برندسازی و اعتباربخشی (۰/۶۲)
۸	۰/۵۲	۰/۵۱	۰/۵۵	به‌تصویر کشیدن ارزش‌های ورزشی	I2	
۱۱	۰/۴۲	۰/۶۱	۰/۴۴	ایجاد محیط مناسب افکار عمومی	I3	
۳	۰/۷۵	۰/۲۴	۰/۷۲	میزبانی رویدادهای بین‌المللی	I4	
۵	۰/۶۳	۰/۳۷	۰/۶۳	تبادل مربی و ورزشکار	J1	تعامل‌گرایی با جهان (۰/۶۱)
۷	۰/۶۲	۰/۳۹	۰/۶۳	رویدادهای دوجانبه و چندجانبه	J2	
۱۰	۰/۴۹	۰/۵۵	۰/۵۳	برگزاری دوره‌های علمی-ورزشی مشترک	J3	
۶	۰/۶۳	۰/۳۹	۰/۶۸	کسب مقر سازمان‌های بین‌المللی ورزشی	J4	
۴	۰/۶۶	۰/۳۵	۰/۶۸	بین‌المللی کردن ورزش‌های ملی	K1	افزایش ظرفیت‌ها (۰/۶۵)
۹	۰/۵۰	۰/۵۳	۰/۵۴	گسترش آگاهانه بخش خصوصی در ورزش بین‌الملل	K2	
۲	۰/۷۹	۰/۲۰	۰/۷۶	کسب کرسی‌های بین‌المللی	K3	

در این زمینه، راهبردهای افزایش برند ملی ورزشی، میزبانی رویدادهای بین‌المللی، و کسب کرسی‌های بین‌المللی، بالاترین امتیاز Ci را در راستای توسعه دیپلماسی ورزشی کسب کرده‌اند.

۲-۵. پیامدها

پیامدهای توسعه دیپلماسی ورزشی که در جدول ۶ ارائه شده‌اند— بیانگر این است که توسعه جامعه‌شناسی سیاسی ورزش، مهم‌ترین پیامد توسعه دیپلماسی ورزشی برای جمهوری اسلامی ایران است.

جدول ۶. تحلیل تاپسیس برای پیامدهای توسعه دیپلماسی

رتبه	Ci	ایده‌آل مثبت	ایده‌آل منفی	محورها	کد	
۱	۰/۸۹	۰/۱۰	۰/۷۹	تقویت هویت ملی	L1	توسعه جامعه‌شناسی سیاسی (۰/۸۱)
۲	۰/۸۰	۰/۱۸	۰/۷۱	انسجام و همگرایی اجتماعی	L2	
۳	۰/۷۵	۰/۲۲	۰/۶۷	کاهش آسیب‌های اجتماعی	L3	
۸	۰/۵۸	۰/۴۷	۰/۶۳	زمینه‌سازی برای ایجاد روابط بین‌الملل	M1	توسعه سیاست خارجی (۰/۵۹)
۱۰	۰/۴۷	۰/۵۷	۰/۵۰	معرفی سیاست خارجی کشورها (ایدئولوژی‌ها)	M2	
۴	۰/۷۱	۰/۲۶	۰/۶۲	شکل‌دهی مثبت افکار عمومی	M3	
۷	۰/۶۱	۰/۴۰	۰/۶۲	اشتغال‌زایی	N1	توسعه ورزش (۰/۶۲)
۹	۰/۵۷	۰/۴۰	۰/۵۲	توسعه زیرساخت‌ها، امکانات، و تجهیزات ورزشی	N2	
۶	۰/۶۵	۰/۳۳	۰/۶۳	افزایش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی	N3	
۵	۰/۶۶	۰/۳۵	۰/۶۸	گردشگری ورزشی و جذب نخبگان ورزشی	N4	

در این بین، «تقویت هویت ملی»، به عنوان یکی از مؤلفه‌های توسعه جامعه‌شناسی سیاسی، بالاترین Ci را از نگاه صاحب‌نظران این حوزه کسب کرد.

نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی، به عنوان یک انقلاب فرهنگی، در کنار هدف‌هایی مانند استقرار عدالت، آزادی، و تلاش برای ارتقای اخلاق و معنویت، می‌تواند با مدیریت کارآمد خود، قوی‌ترین وجه قدرت نرم نظام به شمار آید (قربی و جعفری، ۱۳۹۵). افزون‌براین، افزایش برجستگی و برتری ورزش برای دولت‌ها و اهداف سیاسی گوناگون آن‌ها، به سبب جنبه بااهمیت فرهنگی و اجتماعی ورزش است (برگسگارد و همکاران، ۲۰۰۷). در این زمینه، مورای بر این نظر است که دولت‌مردان از دیپلماسی ورزشی، به عنوان نوش‌دارو، حمایت می‌کنند، زیرا نوعی ابزار دیپلماتیک است که می‌تواند انزوا را کاهش دهد، ثبات و امنیت را برای کشور به‌ارمغان آورد (مورای، ۲۰۱۲)، و مسائل و مشکلات غیرورزشی را حل و آسایش اجتماعی را فراهم کند (هالیهان، بلویس، و اسمیت، ۲۰۰۹). این نکات برای افزایش قدرت سیاسی ایران با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک آن در محیط استبدادی و استعمارزده منطقه بسیار اهمیت دارد. در این بین، با روی کار آمدن دولت تدبیر و امید و به‌ویژه پس از توافق هسته‌ای، کشورهای جهان، رویکرد

متفاوتی را در سیاست خارجی خود با ایران دنبال کرده‌اند؛ بنابراین، جمهوری اسلامی ایران در راستای استفاده بهینه از دیپلماسی ورزشی در مراودات بین‌المللی خود، نیازمند ارزیابی این مهم است.

شرایط علی‌پدیده دیپلماسی ورزشی، دو عامل تغییرات محیط جهانی و قابلیت ورزش در عرصه دیپلماسی هستند (پیمان‌فر، ۱۳۹۵). در این زمینه و پس از تحلیل‌های انجام‌شده، مشخص شد که صاحب‌نظران این حوزه بر این نظرند که «قابلیت‌های ورزش» نقش دیپلماسی ورزشی را برای کشور پرننگ‌تر کرده است. گیولیانوتی و رابرتسون^۱ (۲۰۰۹) بر این نظرند که ورزش، دیگر به سرگرمی محدود نمی‌شود، بلکه با تجارت، کسب‌وکار، و سیاست آمیخته شده است و این جهانی‌شدن، نه تنها رقابت‌های بین‌المللی ورزشی را جذاب‌تر کرده است، بلکه شرایط توسعه روابط بین‌الملل را نیز فراهم نموده است. براین‌اساس، تحلیل‌های پژوهش حاضر حاکی از این است که «افزایش مداوم قدرت و جذابیت رویدادهای ورزشی بین‌المللی»، مهم‌ترین جایگاه را در این زمینه دارد. ورزش، وسیله‌ای جذاب و موردعلاقه همه مردم دنیا است. نمایش ورزش در فضای باز و مجموعه‌های ورزشی، شرکت ورزشکاران در بازی‌های المپیک و مسابقات بین‌المللی دیگر نشان می‌دهد که رویدادهای ورزشی، فراگیر شده و به‌صورت منافع مشترک در سراسر جهان درآمده‌اند. اجرای فعالیت‌های ورزشی، فرصت تعامل با فرهنگ‌های خارجی را فراهم می‌کند. ورزش، یک ابزار صلح‌آمیز برای امور بین‌المللی است که کشورها می‌توانند با استفاده از آن، روابطشان را با کشورهای دیگر جهان تقویت کنند.

همچنین، نتایج این پژوهش حاکی از این است که افزایش نقش نهادها و کنشگران غیردولتی، نشان‌دهنده تغییرات بزرگ در عرصه جهانی و لزوم توجه بیشتر به دیپلماسی ورزشی کشور است. در این زمینه مروری بر فعالیت‌های روزافزون سازمان‌های بین‌المللی، حاکی از نقش کاتالیزوری آنها برای توسعه روابط بین‌الملل است. این نکته نشان می‌دهد که سازمان‌های ذی‌ربط باید در

راستای افزایش قدرت چانه‌زنی خود در عرصه روابط بین‌الملل، در پی تشکیل و راه‌اندازی نهادهای ملی و بین‌المللی باشند.

محور دیگر پژوهش حاضر، شرایط زمینه‌ای بود. نتایج تحلیل تاپسیس در این مطالعه نشان می‌دهد که پیگیری شرایط زمینه‌ای برای توسعه دیپلماسی ورزشی، شرایط مساعدی ندارد، زیرا بیشترین فاصله را با ایده‌آل مثبت داشته‌اند. در این زمینه، بحرانی‌ترین مؤلفه، عنصر «سازمان متولی» است. سازمان‌ها، افزون‌بر اینکه هدایت‌گر هستند، زمینه توسعه را نیز فراهم می‌کنند. سازمان متولی در زمینه دیپلماسی ورزشی، در صورتی می‌تواند زمینه‌ساز موفقیت در این حوزه باشد که پیش از هر چیز، فعالیت در حوزه روابط بین‌الملل و دیپلماسی را سرلوحه کار خود قرار دهد؛ سازمانی که بتواند با نهادهای دیگر، ارتباط برقرار کند و حمایت و پشتیبانی دستگاه دیپلماسی را جلب کند.

مورد دیگری که نقش میانجی را در توسعه یک پدیده دارد، شرایط مداخله‌گر است. شرایط مداخله‌گر برای توسعه دیپلماسی ورزشی، دربردارنده سیاست‌ها و برنامه‌ها، فرهنگ‌سازی، و ابزارها است (پیمان‌فر، ۱۳۹۵). ملکوتیان (۱۳۸۸) این‌گونه بیان می‌کند که ورزش از طریق تحکیم ارزش‌های انسانی و همبستگی ملی و افزایش مشارکت سیاسی، بر سیاست تأثیر می‌گذارد و البته خود نیز به‌ویژه در زمان برگزاری ورزش‌های بین‌المللی، مورد استفاده قدرت‌های جهانی قرار می‌گیرد.

نتایج تحلیل دیدگاه صاحب‌نظران در این بخش نیز حاکی از شرایط نامساعد کشور برای رشد و توسعه دیپلماسی ورزشی بود؛ به‌گونه‌ای که بیشتر مؤلفه‌های آن در وضعیت بحرانی هستند. سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در این بخش، پایین‌ترین امتیاز را کسب کرد؛ بنابراین، به نظر می‌رسد این یافته می‌تواند ضرورت توجه به سیاست‌گذاری را در این زمینه بیش‌ازپیش نمایان کند. همچنین، ایجاد ساختار مناسب، یکی دیگر از نیازهای ضروری ورزش کشور در راستای توسعه دیپلماسی ورزشی است. افزون‌براین، مراسم و برنامه‌های مذهبی و فرهنگی نیز (به‌منظور بهترین بهره‌برداری در این زمینه) نیازمند برنامه‌ریزی و گاهی بازنگری هستند.

کسلر^۱ (۲۰۰۹) در این مورد بر این نظر است که ایران برای جلوگیری از دچار شدن به سرنوشت عربستان سعودی (که با آمریکا روابط گرم دیپلماتیک دارد، اما فاقد روابط فرهنگی معناداری است) باید به توسعه این نوع از روابط فرهنگی قوی ادامه دهد.

راهبردهای کنش و واکنش برای توسعه دیپلماسی ورزش کشور، بخش دیگری بود که در این پژوهش، مورد تحلیل کمی قرار گرفت.

در این راستا، با وجود اینکه افزایش ظرفیت‌ها در اولویت نخست راهبردهای توسعه قرار گرفتند، اما مؤلفه‌های افزایش برند ملی ورزش کشور در حوزه برندسازی و اعتباربخشی، بالاترین امتیاز را به دست آوردند. هرچند پژوهش‌های بازاریابی و توسعه برند در صنعت ورزش ایران به مقوله‌ای فراموش شده تبدیل شده و شکاف عمیقی نیز با این توسعه و تحول پیدا کرده است، اما نباید فراموش کرد که برندها می‌توانند بر افکار عمومی میلیون‌ها نفر از انسان‌ها تأثیرگذار باشند. تیم‌های ورزشی بسیاری، از جمله منچستریونایتد، بارسلونا، رئال مادرید، و... به‌خوبی از این راهبرد بهره برده‌اند.

توسعه جامعه‌شناسی سیاسی، توسعه سیاست خارجی، و توسعه ورزشی از جمله پیامدهای توسعه دیپلماسی ورزشی به‌شمار می‌آیند. تحلیل‌های کمی پژوهش حاضر نشان می‌دهند که پیامدهای جامعه‌شناختی سیاسی در این زمینه از اهمیت بیشتری برای کشور برخوردار هستند، زیرا تقویت هویت ملی، انسجام و همگرایی اجتماعی، و کاهش آسیب‌های اجتماعی، نمره‌ای در حد ایده‌آل را کسب کرده‌اند. عالی‌ترین سطح هویتی برای هر انسانی، هویت ملی است (کریمی‌مله و بلباسی، ۱۳۹۵). براساس دیدگاه هیل^۲ (۱۹۹۶) ورزش، ارزش بالقوه‌ای برای هویت‌سازی دارد؛ مسئله‌ای که بسیاری از رهبران سیاسی و اجتماعی دنیا کاملاً به آن آگاه بوده و برای دستیابی به اهداف خود از آن بهره برده‌اند. نتایج پژوهش ساجدن و بایرنر (۱۹۹۳) نیز نشان می‌دهد که در کوبا از ورزش برای ایجاد یک

1. Kessler

2. Hill

روحیه پسانقلابی، هویت ملی، و همبستگی گروهی استفاده می‌شود؛ انسجام و اتحادی که کاهش آسیب‌های اجتماعی را نیز در پی خواهد داشت.

افزون‌براین، ورزش، سازوکار مفید و مؤثری برای نزدیک کردن خرده‌فرهنگ‌ها به یکدیگر است. در مسابقات جهانی، برافراشته شدن پرچم و پخش سرود ملی یک کشور پس از پیروزی ورزشکاران وابسته به خرده‌فرهنگ‌های مختلف یا فرهنگ اصلی آن کشور، بازگوکننده و قوام‌بخش وحدت ملی در آن کشور است. جذب اقوام در جامعه ملی از طریق فوتبال، والیبال، و کشتی، یکی از کارکردهای هویت‌ساز ورزش است؛ از این رو، با توجه به وجود اقوام گوناگون (ترک، کرد، لر، عرب، ترکمن، و بلوچ) می‌توان با تقویت تیم‌های ورزشی و درخشش در سطح بین‌المللی، باعث نزدیک شدن حس هویت در بعد ملی در بین این اقوام و تقویت همبستگی و هویت ملی از طریق ورزش شد.



منابع

اصغریور، محمدجواد (۱۳۸۳)، *تصمیم‌گیری چندمعیاره*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

پیمان‌فر، محمدحسن (۱۳۹۵)، «تدوین الگوی راهبردی توسعه دیپلماسی ورزشی جمهوری اسلامی ایران»، *رساله دکترای مدیریت ورزشی*، دانشگاه خوارزمی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی.

خبیری، مهدی (۱۳۹۳)، «بررسی جایگاه ورزش در دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران»، *طرح پژوهشی وزارت ورزش و جوانان*.

سجادپور، سید محمدکاظم؛ وحیدی، موسی‌الرضا (۱۳۹۰)، «دیپلماسی عمومی نوین: چارچوب‌های مفهومی و عملیاتی»، *فصلنامه سیاست*، ۴۱(۴).

قریبی، سید محمدجواد؛ جعفری، علی‌اکبر (۱۳۹۵)، «منابع قدرت نرم در سیاست‌های کلی نظام؛ موردکای سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۱۹(۵).

کریمی‌مله، علی؛ بلباسی، میثم (۱۳۹۵)، «لایه‌های هویت ملی ایرانی در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۶۸)»، *فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۱۸(۵).

ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۸)، «ورزش و سیاست»، *فصلنامه سیاست*، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۲(۳۹).

Amirtash, A. (2005), "Iran and the Asian Games: the Largest Sports Event in the Middle East", *Sport in Society*, 8(3).

Bergsgard, N., Houlihan, B., Mangset, P., Nodland, S., Rommetvedt, H. (2007), *Sport Policy: a Comparative Analysis of Stability and Change*", First Edit, Burlington: Elsevier and Book Aid International.

Bravo, G, Silva, J. (2014), "Sport Policy in Chile", *International Journal of Sport Policy and Politics*, 6(1).

Chehabi, H. (2001), "Sport Diplomacy between the United States and Iran", *Diplomacy & Statecraft*, 12(1).

Chia, Ch. H., Liang, H. C. (2009), "A Fuzzy TOPSIS Decision Making Model with

- Entropy Weight under Intuitionistic Fuzzy Environment", *IMECS*, March(i).
- Dousti, M., Goodarzi, M., Asadi, H., Khabiri, M. (2013), "Sport Policy in Iran", *International Journal of Sport Policy and Politics*, 5(1).
- Eden, J.T. (2013), *Soccer and International Relations: Can Soccer Improve International Relations?*, Ottawa: University of Ottawa.
- Giulianotti, R, Robertson, R. (2009), *Globalization and Sport*, Blackwell Publishing, ISBN: 978-1-4051-6269-2.
- Hill, C. R. (1996), *Olympic Politics: Athens to Atlanta 1896 –1996*, Manchester: Manchester University Press.
- Houlihan, B., Bloyce, D., Smith, A. (2009), "Developing the Research Agenda In Sport Policy", *International Journal of Sport Policy*, 1(1).
- Kessler, D. (2009), "The Citizens' Affair: Sports and Tourism in Post-1998 United States-Iran Relations", *Stanford Journal of International Relations*, XI (1).
- Manzenreiter, W. (2008), "Football Diplomacy, Post-Colonialism and Japan's Quest for Normal State Status", *Sport in Society*, 11(4).
- Murray, S. (2012), "The Two Halves of Sports-Diplomacy", *Diplomacy & Statecraft*, 23 (3).
- Murray, S. (2013), "Sports Diplomacy in the Australian Context: A Case Study of the Department of Foreign Affairs and Trade", *Sports Law Journal*, ISSN 1836-1129. <http://epublications.bond.edu.au/slej/18>.
- Ndlovu, S. M. (2010), "Sports as Cultural Diplomacy: the 2010 FIFA World Cup in South Africa's Foreign Policy", *Soccer & Society*, 11(1-2).
- Qingmin, Z. (2013), "Sports Diplomacy: The Chinese Experience and Perspective", *The Hague Journal of Diplomacy*, 8.
- Reiche, D. (2014), "Investing in Sporting Success as a Domestic and Foreign Policy Tool: the Case of Qatar", *International Journal of Sport Policy and Politics*, 4(7).
- Riordan, J. (1980), *The Political Role of Sport in Britain and the USSR*, Salford: The Centre for Leisure Studies.
- Samuel-Azran, T., Yarchi, M., Galily, Y., Tamir, I. (2016), "Promoting Terror or Sport? The Case of Qatar's International Image", *American Behavioral Scientist*, 60(9).
- Sugden, J., Bairner, A. (1993), *Sport, Sectarianism and Society in a Divided Ireland*, Leicester University Press.